

بررسی تحولات تاریخی اجتماعی محدوده سرزمینی ایران
از قرن سوم تا دوره صفویان

نویسنده:

دکتر غلامرضا خدیوی

سرشناسه	خدییوی، غلامرضا، ۱۳۳۳ -
عنوان و نام پدیدآور	بررسی تحولات تاریخی اجتماعی ... سده ... هجری صفویان / نویسنده غلامرضا خدیوی.
مشخصات نشر	مشهد: انتشارات مرندیز، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۱۹۷ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۰۶-۵۶۵-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	ایران -- تاریخ -- قرن ۳ - ۱۱ ق.
موضوع	Iran -- History -- ۹-۱۷th centuries
موضوع	ایران -- تاریخ -- صفویان، ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق.
موضوع	Iran -- History -- Safavids, ۱۵۰۲ - ۱۷۳۶
رده بندی کنگره	۱۳۹۶ ب۴ خ/DSR۵۹۷
رده بندی دیویی	۹۵۵/۰۴
شماره کتابشناسی ملی	۴۸۷۱۹۳۲



دفتر نشر: مشهد - خیابان آپکوه ۷ - دانشسرای ۸ - شمار ۹۰
تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۷۴۷۶۵ دورنگار: ۰۵۱-۳۷۲۵۱۳۰۲

بررسی تحولات تاریخی اجتماعی محدوده سرزمینی ایران از قرن دوم تا ده صفویان

نویسنده: دکتر غلامرضا خدیوی
ویراستار: محمد نورالهی

چاپ: سروش
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶
شمارگان: ۱۰۰۰
بها: ۱۴۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸۶۰۰۱۰۶۵۶۵۵۱

تمام حقوق چاپ و نشر این اثر طبق قرار داد محفوظ است.
هرگونه چاپ و تکثیر از محتویات این کتاب بدون اجازه کتبی
ممنوع است. متخلفان به موجب قانون حمایت از حقوق مولفان،
مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

www.marandiz.com

پیشگفتار ۷

فصل اول:

کلیات ۱۱

۱-۱- مقدمه و طرح مسأله ۱۳

۱-۲- سؤال تحقیق ۱۸

۱-۳- هدف تحقیق ۱۸

۱-۴- اهمیت تحقیق ۱۸

۱-۵- قلمرو زمانی تحقیق ۲۰

فصل دوم:

پیشینه و مبانی نظری تحقیق ۲۳

۱-۲- پیشینه تحقیق ۲۵

۱-۱-۲- نظام فنودالی و یا نظام آسیایی، اشرف ۲۵

۱-۲-۲- الگوی تحول درازمدت اجتماعی-اقتصادی در ایران، کاتوزیان ۲۹

۱-۲-۳- ما چگونه ما شدیم، زیبا کلام ۳۷

۱-۲-۴- علل عقب ماندگی ایران، علمداری ۴۵

۲-۲- مبانی و چهارچوب نظری تحقیق ۵۶

۱-۲-۲- نظریه تکاملی نوربرت الیاس ۵۶

۲-۲-۲- نظریه تحولات ادواری جوامع ابن خلدون ۶۸

۱-۲-۲-۲- زندگی نامه ابن خلدون ۶۹

۲-۲-۲-۲- خلاصه ای از تاریخ اسلام از زمان ظهور تا ابن خلدون ۷۲

۳-۲-۲-۲- زمینه های تاریخی-اجتماعی پیدایی «جامعه شناسی» و «علم العمران» ۷۸

۴-۲-۲-۲- طباطبایی و نقد نظریه ابن خلدون ۸۴

۵-۲-۲-۲- معرفت شناسی ابن خلدون ۹۰

۶-۲-۲-۲- چپستی دانش بشری ۹۳

پیشگفتار

«جامعه ایران»^۱ تاریخی درازدامن و طولانی داشته و شاهد فراز و نشیب‌ها و تحولات و دگرگونی‌های بی‌شماری بوده است؛ از ابرقدرتی در جهان قدیم تا محو از صفحه سیاسی برای مدت نزدیک به ده قرن (از سقوط ساسانیان تا ظهور صفویه) و همچنین دگرگونی‌های عمیق و مهم دوران معاصر یعنی دو انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی از نمونه‌های دیگر تحولات این مجموعه تمدنی-فرهنگی هستند. اما علی‌رغم این وضعیت به نظر می‌رسد در زمینه نظریه‌های جامعه‌شناختی کلان که بتواند این تحولات «جامعه ایران» را در دوره‌های مختلف تبیین کند محدودیت‌های زیادی وجود دارد. مخصوصاً ناپایداری‌هایی که حدود هفت قرن سرزمین ایران را در خود فرو می‌برند و پی‌آمدها و آثار عمیقی را در جامعه ایران تا قرن‌ها بعد از خود به جای می‌گذارند و موضوع این تحقیق است، کمتر مورد توجه ویژه و خاص قرار گرفته است. این تحقیق در پی شناسایی علل و ارائه الگویی برای تبیین ناپایداری‌های اجتماعی دائم در حوزه سرزمین ایران در قرون سوم تا دهم هجری است. معدود نظریه‌پردازانی که به تحولات و از دست دادن جامعه ایران پرداخته‌اند و آراء آنها در این تحقیق مورد نقد و بررسی قرار گرفتند. تحول به تحولات درازمدت در ایران پرداخته‌اند که گویی با یک جامعه دارای پیوستگی دائم سروکار داشته‌اند. نظریه‌پردازانی مانند صادق زیباکلام، کاظم علمداری، احمد اشرف و محدثی همایون کاتوزیان و همچنین طرفداران ایرانی و غیرایرانی نظریه شیوه تولید آسیایی که از یک ایران پیوسته و یابداً اکثر ایران قبل و بعد از اسلام سخن گفته‌اند کم‌وبیش به همین نظر پیوسته‌اند. این تحقیق با استفاده از روش جامعه‌شناسی تاریخی در مورد تحولات تاریخی و نیز رویکرد هرمنوتیکی (زندآگاهانه)^۲ در جایی که نیاز به تفسیر متون تاریخی بوده است تلاش می‌کند تا نشان دهد که رویکرد این نظریه‌پردازان، دچار ضعف بزرگ بی‌توجهی به واقعیت‌های مسلم تاریخی است. وضعیت سرزمین ایران پس از سقوط ساسانیان و ورود اسلام و اعراب به ایران

۱. این تعبیر در اینجا اندکی مسامحه دارد و از باب تفاهم است و از این رو داخل گیومه آمده است. به علت آن در ادامه اشاره خواهد شد.

۲. معادل درست و بجای «زندآگاهی» برای «هرمنوتیک» که ناظر به روش تفهیمی-ذراتی-پدیدارشناختی به حوزه‌های مطالعات انسانی است از مرحوم استاد سیداحمد فردید است. ۳۰.

وضعیت کاملاً ویژه‌ای است که حتی با اوضاع ایران در زمانی که به دست اسکندر فتح شد شباهت چندانی ندارد. بر اساس نتایج این تحقیق در طی هفت قرن دوره مورد مطالعه این بررسی، سرزمین ایران بخشی از امپراطوری بزرگ خلافت اسلامی است، به لحاظ قومی نیز آمیختگی‌های بی‌سابقه‌ای بین اقوام ایرانی و عرب و ترک از طریق مهاجرت این اقوام به ایران شکل می‌گیرد. هیچ «مجموعه اجتماعی-سیاسی» یا به تعبیر نوربرت الیاس «مجموعه دفاعی-تهاجمی واحد و یکپارچه‌ای» به نام ایران وجود ندارد. سرزمین ایران در یک منظومه از کانون‌های قدرت واقع می‌شود که وحدت سرزمینی آن را نیز از بین می‌برد. مارهای محلی که در بخشهای مختلف سرزمین ایران شکل می‌گیرند و حتی آنها که منشأ ایرانی دارند هیچ‌یک مدعی نمایندگی چیزی به نام «جامعه ایرانی» نیستند. طاهر کولین، «سلسله محلی ایرانی» را به وجود می‌آورد و نام خلیفه را از خطبه می‌اندازد شعر فارسی را - «ان خوش نمی‌دارد و یعقوب خود را سیستانی ای می‌داند که باید «سیستان» را در مقابل «دعبلان» حفظ کند. این سلسله‌های محلی حتی آنها که «ایرانی» اند زمانی که منافعشان با منافع خلافت گره می‌خورد هیچ ابایی از اینکه در مقابل سلسله «ایرانی» دیگری بایستند و بر روی یکدیگر شمشیر بکشند، ندارند. صفاریان و سامانیان که بارها با یکدیگر درگیر می‌شوند هر دو «سلسله‌هایی با منشأ «ایرانی» هستند. طبیعتاً در مواردی که حاکمیت در بخش‌های مختلف این «سرزمین در اختیار اقوام اساساً غیرایرانی مانند ترکان سلجوقی و یا مغول‌هاست وضعیت این نیز بدتر است.

در این تحقیق به جای نظریات متداول، برای تحلیل و تبیین تحولات در این مقطع خاص، پس از نقد و بررسی نظریات و آرای موجود، به لحاظ چهارچوب نظری و چشم‌انداز مطالعاتی، از نظریات جامعه‌شناختی تاریخی نوربرت الیاس، جامعه‌شناس آلمانی، در زمینه تحولات درازمدت تاریخی در جوامع و همچنین از نظریه «تحولات اجتماعی» «واری» ابن خلدون استفاده شده است. جستجو در آرا و نظریات ابن خلدون بیشتر به دلائل معرفت‌شناختی بوده است زیرا درحالی که نظریه‌های موجود که بعضاً در تبیین تحولات تاریخی اجتماعی ایران مورد استفاده قرار می‌گیرند معمولاً نظریاتی هستند که بر اساس واقعیات تاریخی کاملاً متفاوتی ساخته و پرداخته شده‌اند، ابن خلدون هم به متن تاریخی مورد نظر در این تحقیق نزدیک‌تر بوده و هم تحولات و دگرگونی‌های مشابهی را در امپراطوری عظیم خلافت اسلامی که «ایران» در دوره مورد مطالعه، جزئی از آن است با «واقع‌نگری» مورد تجزیه و

تحلیل قرار داده و «الگوی نظری» خود را بر این مبنا تدوین می‌کند که با واقعیات تاریخی در این دوره همخوانی بسیار بیشتری دارد. علاوه بر این موارد در بخش چهارچوب نظری همچنین به «مشاهدات» فریدریش انگلس در مورد قیامها و شورش‌ها در حوزه خلافت اسلامی و ایران اشاره می‌شود که ضمناً تأییدی بر «نظریه» دوری ابن‌خلدون نیز می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ناکارآمدی دستگاه خلافت برای ادارهٔ امپراطوری وسیعی که پس از ظهور اسلام فتح شده بود (از جمله نبود شبکهٔ ارتباطی سریع و مشکلات تدارکات برای جابه‌جایی و انتقال نیروها که داریوش آن را به فراست دریافته و در زمان هخامنشیان این دو مشکل را با ایجاد شبکهٔ چاپارخانه و ارتش جاویدان حل کرده بود) همچنین نبود مبنایی برای مشروعیت قدرت که از اجماع و توافق عمومی برخوردار باشد (مثلاً از انراخ، جری آن و شکل‌گیری دائم «عصیت»‌های مدعی قدرت توسط اقوام عمدتاً غیربومی و نیرت‌های شایری که بعضاً از مناطق خارج از سرزمین ایران به این منطقه سرازیر می‌شدند مانند نرکان، ملجوقی، باعث شکل‌گیری دائم نیروهای گریز-از-مرکز (نظریهٔ نوربرت الیاس) گردید که باعث می‌شود در مدت هفتصد سال، سرزمین ایران را دچار ناپایداریهای دائم نماید. در این مدت حدود ۱۰ سلسلهٔ حکومتی و امارت محلی، هریک در گوشه‌ای از سرزمین ایران رفیق می‌شوند قدرت را در دست بگیرند و پس از سپری شدن عمر مفیدی حداکثر در حد ده تا سه نسل، راه سقوط را در پیش می‌گیرند به نحوی که در الگوهای مطرح شده در این تحقیق، این ظهور و سقوط‌ها با توجه به چهارچوب‌های نظری انتخاب شده به‌خوبی نشان داده می‌شوند. حاصل و نتیجهٔ این وضعیت از هم‌گسیختگی دائم و جلوگیری از شکل‌گیری یک نظام اجتماعی منسجم و ادغام‌یافته و یا به تعبیر الیاس یک واحد دفاعی-تهاجمی و به عبارت دیگر جلوگیری از تکامل نیروهای درونی جامعه و تفکیک‌یافتگی آن و از دست رفتن فرصت‌ها برای شکل‌گیری و تکامل نهادهای قدرتمند اجتماعی که بتوانند پایداری اجتماعی را تقویت کنند، طی مدتی نزدیک به هفت قرن است. الگوی به کار رفته شده در این تحقیق یعنی استفاده از رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی نشان می‌دهد که آنچه را که نظریات دیگر به سختی قادر به تبیین آن بوده‌اند و بعضاً به صورتی ایستا به عنوان ویژگیهای ثابت جامعهٔ ایران معرفی کرده‌اند مانند «وحدت دین و دولت» (علمداری) و یا نبود «قانون» و «مشکل جانشینی» و «نبود طبقات» (کاتوزیان) بسیار بهتر می‌تواند تبیین کند. به طور مثال بر مبنای

رویکرد به کار گرفته شده در این تحقیق، این «ویژگیها» در واقعیت تاریخی از یکدیگر قابل تفکیک نبوده و نمی‌توان آنها را به طور مجزا مورد تحلیل قرار داد بلکه بایستی آنها را در یک همبسته کارکردی تبیین کرد. زیرا این «ویژگیها» حاصل درهم آمیختگی پویای کنشها و کارکردهای مختلف اجتماعی در شرایط خاص دوره مورد نظر در تحقیق می‌باشند که از گذر فرایندهای درازمدت تاریخی به وجود آمده‌اند از جمله غلبه نیروهای گریز از مرکز، وجود کانونهای متعدد قدرت و هجوم اقوام و قبائل بیگانه به منطقه و سایر مواردی که در پی خواهند آمد و نه «ویژگیهای» ثابت و تصادفی.